

7 سرفروشنت

جاگهو

العام از شخصیت های گروه بی تراس

قسمت ۴۵

یک، دو، سه...

هشت؟



این دیگه چیه؟!

مواظب باش...

بیرش یه
جای امن!

هارو...!



공

공공공...

몽계

몽계

ممنونم که
من رو نجات
دادی!



نیازی
به تشکر
نیست.

بگذریم،
اون هوپو
نیست؟

بیخیال...
عمرا،

ارباب من اصلا مثل
اون، قیافه چندشی
نداره...



و مهم نیست
چه جوری بهش
نگاه کنی، اون یه
هیولاست...

هیولا؟

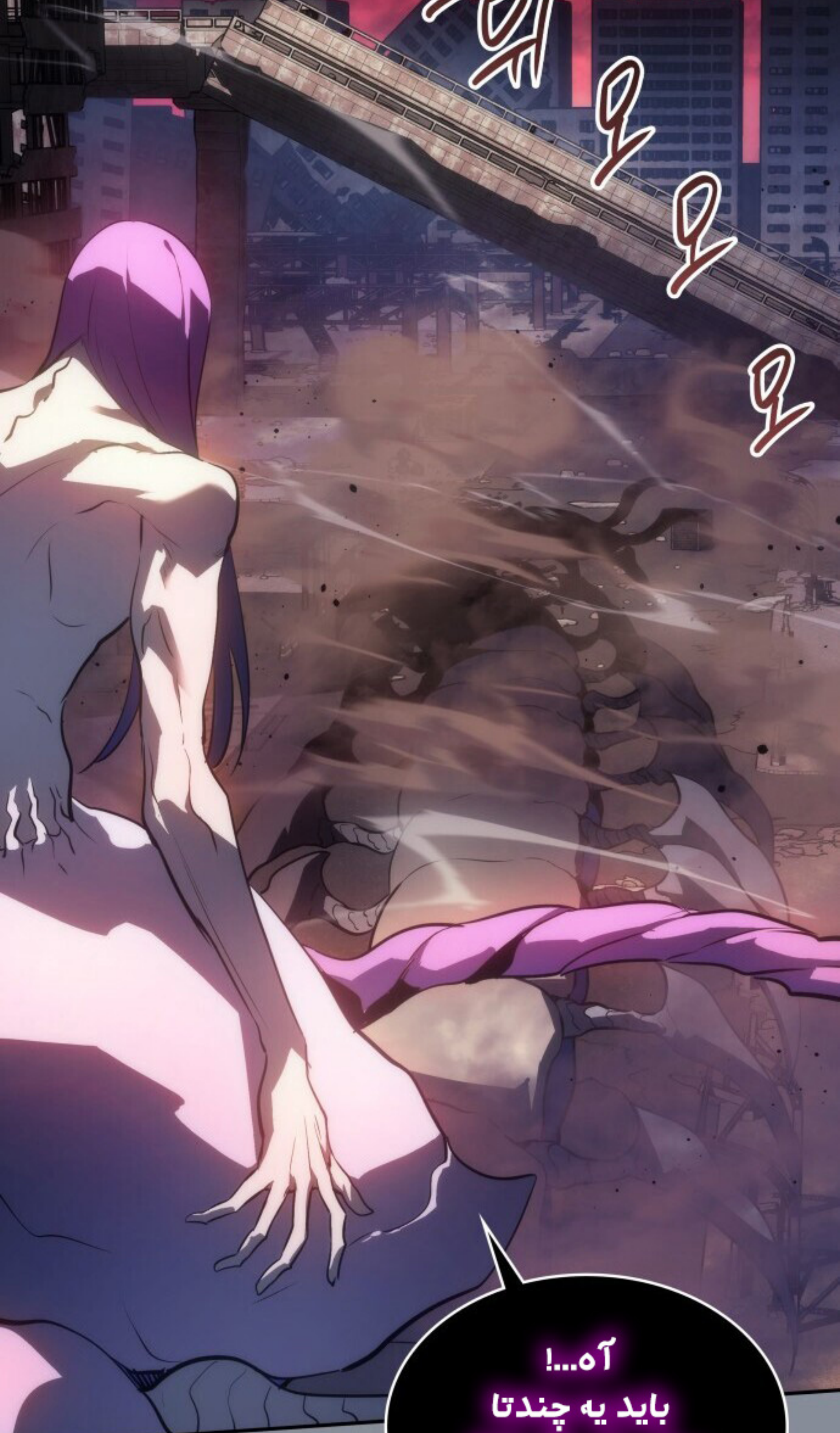


강

Ex



این هاله ترسناک...
ربطی به هیولاهای
کوه اینوانگ داره؟



آه...!
باید یه چندتا
برای خوردن کنار
می‌داشتم.



파악



فکر می کنی،
داری چه غلطی
می کنی؟



دندان بیر



وای... چرا جوری
به نظر می رسه که
انگار بدنش از آهن
ساخته شده؟!



بسپرش
به من!





حتی
یه خدایش هم
پرنداشتت...!



حالت خوبه؟

اون
هیولا واقعا رو
اعصابه!

من شما رو
بدون درد خواهم کشت،
پس تسلیم بشین و
غذای من بشین.

زهی خیال
باطل.

مقاومت
وقت هدر دادنه.

بدن من درمیان
برادرانم از همه
محکم تره.

شما با اون
اسباب بازی هاتون
نمی تونین یه خراش هم
رو من بندازین.

حتی حمله جهها
هم نتونست به
پوستش نفوذ کنه.

به کجاش باید
شلیک کنم که
جواب بده؟

به دهن
گشادش؟

ولی انگار می‌تونه
جاخالی بده...

OH
OH
OH

...می‌مونه
مفاصلی که به
بدنش وصله!



BO

BO

BO

BO



سوراخش
کردم!

همونطور که
فکرمی کردم، پوست در
اون نقطه برای حرکت
راحت تر نازکه!



هههه

اون عوضی...
سریع قضیه رو
می فهمه.



چقدر رو
اعصاب...

هههه



آخ! خیلی
سریعه!

هههه

الان منو
می گیره!



چی؟



شوخی
می کنی...



نمی‌دونستم
ورودی پناهگاه امن
انقدر نزدیکه...

Translation Team
کتابخانه



نمی‌تونم همزمان
بچنگم و ارزشون
معاظت کنم!

جوآن، من رو
با تمام قدرتت
پرتاب کن.



من تا حالا
این همه انرژی
نداشتم!

اگه طوریت شد
تقصیرها رو گردن
من ننداز.



ク
ク
ク



ク
ク
ク



ク
ク
ク



این آشغال‌ها...
خیلی قوین.

زیادی
دست کمشون
گرفتم؟



نمی‌تونم
به خودم زحمت بدم
از تمام قدرتم
استفاده کنم...

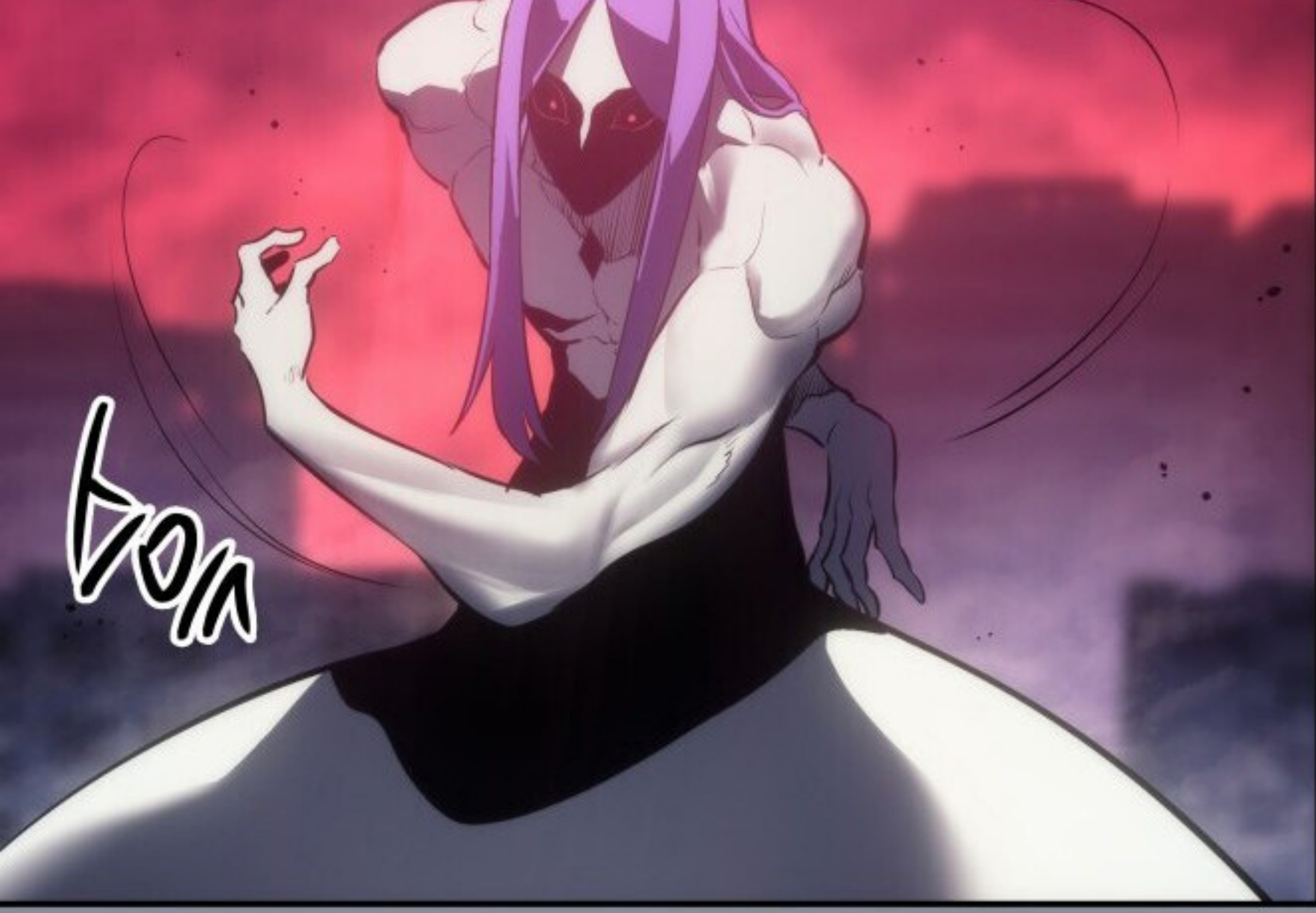
ولی دیگه
چیکار می‌تونم
بکنم؟



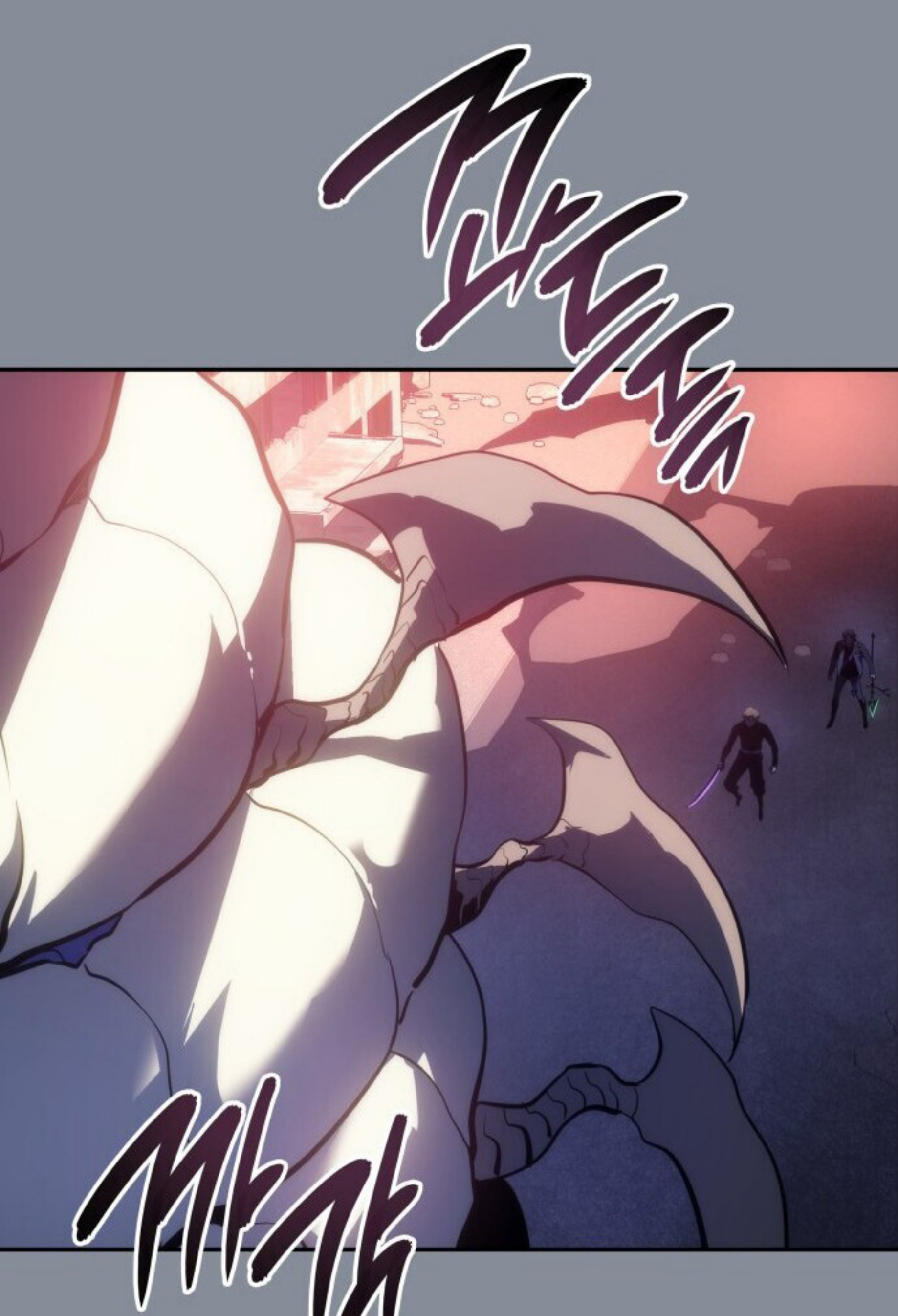
این برای
محافظت از سین-سی
هست که پدرم برایش
زحمت کشیده.

با اینکه
نصف شده بازم
حالش خوبه...

کاری
می کنم پشیمون
بشین...



...از اینکه
نداشتین با مهربونی
بخورمتون.





اه! خیلی
سریعه!

گفتی مفاصل نرمش
رو بین پوسته‌های
سختش هدف بگیرم،
آره؟

آره، گفتم...

ولی چه جوری
این کار رو بکنیم وقتی
انقدر سریع حرکت و
خشن می‌کنه؟

اوک

اوک

نگران نباش.

انقدر شلیک
می‌کنم تا به یه جاش
بخوره!

آههه

سه پایه رو
محکم بگیرین!

محکم!!!

این
تنها راهه،
آره؟

اوک

اوک

اوک





چی؟!

اوه

فکر می کردم
یه مشت اعضای
عادی قبیله گام
هستن!

ها؟ هوسو، مگه از
مالسوک محافظت
نمی کردی؟

اونجا.

یه شخص
جادویی گفت
انجامش می ده.

یه شخص
جادویی؟

اوہ...



بپرشون
بہ من!
ہاھاھا

تو
می تونی

کوتاہتر
شدہ.



ای
ای
ای

فکر کنم الان
می تونیم سرش رو
هدف بگیریم.

موش های
گستاخ.



Translation
Team

شماها رو به
بی رحمانه ترین شکل
ممکن می خورم!

اگه می تونی
انجامش بده.

آره، بجمب
انجامش بده...
اگه می تونی.

ایں زنجیرا دیگہ
چیہ! چیہ!

خا خا
خا خا



نمی توئم
تکون پخورم!



ایں امکان
نداره!

خا
خا
خا

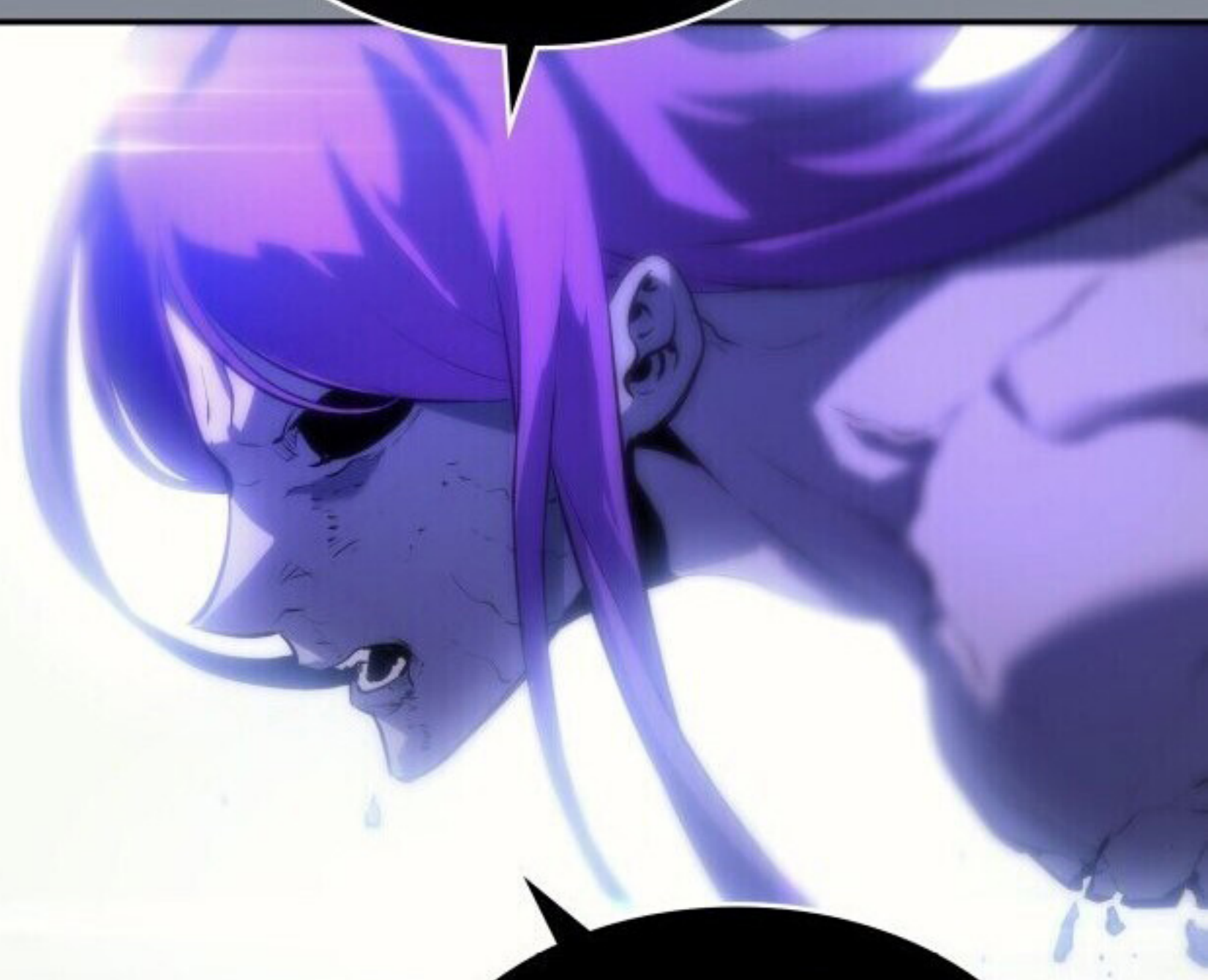


خا

OK

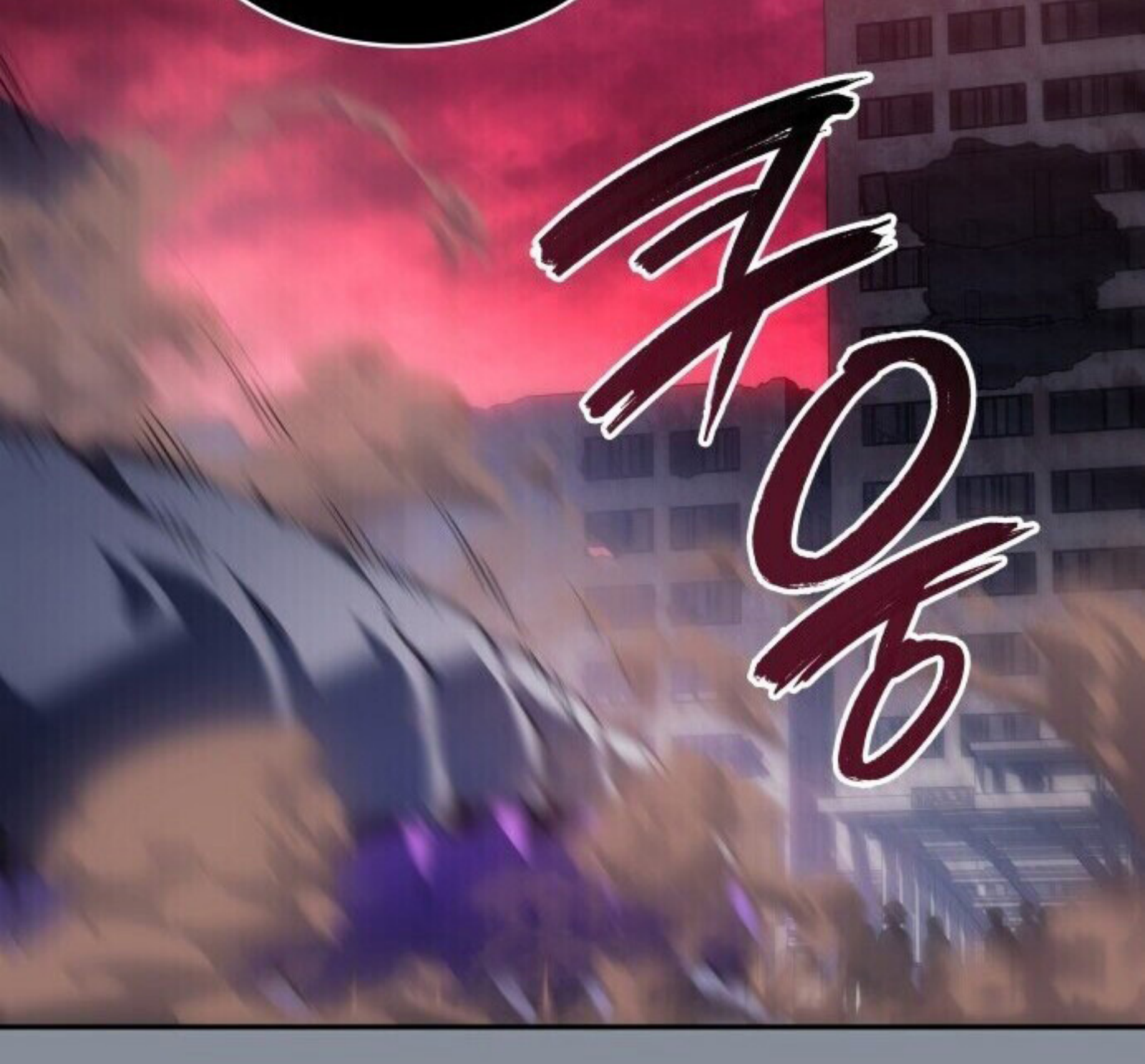


من در برابر
گام باختم؟



ولی من
می خواستم انسان
باشم...


چقدر
ناراحت کننده.



وای! اونها هیولا رو
شکست دادن!



معرکه است...



پاورم نمی شه
هیولایی به این اندازه
رو از پا انداختن.

واقعاً فکر نمی کنن
آدم های عادی
قبیله گام باشن.

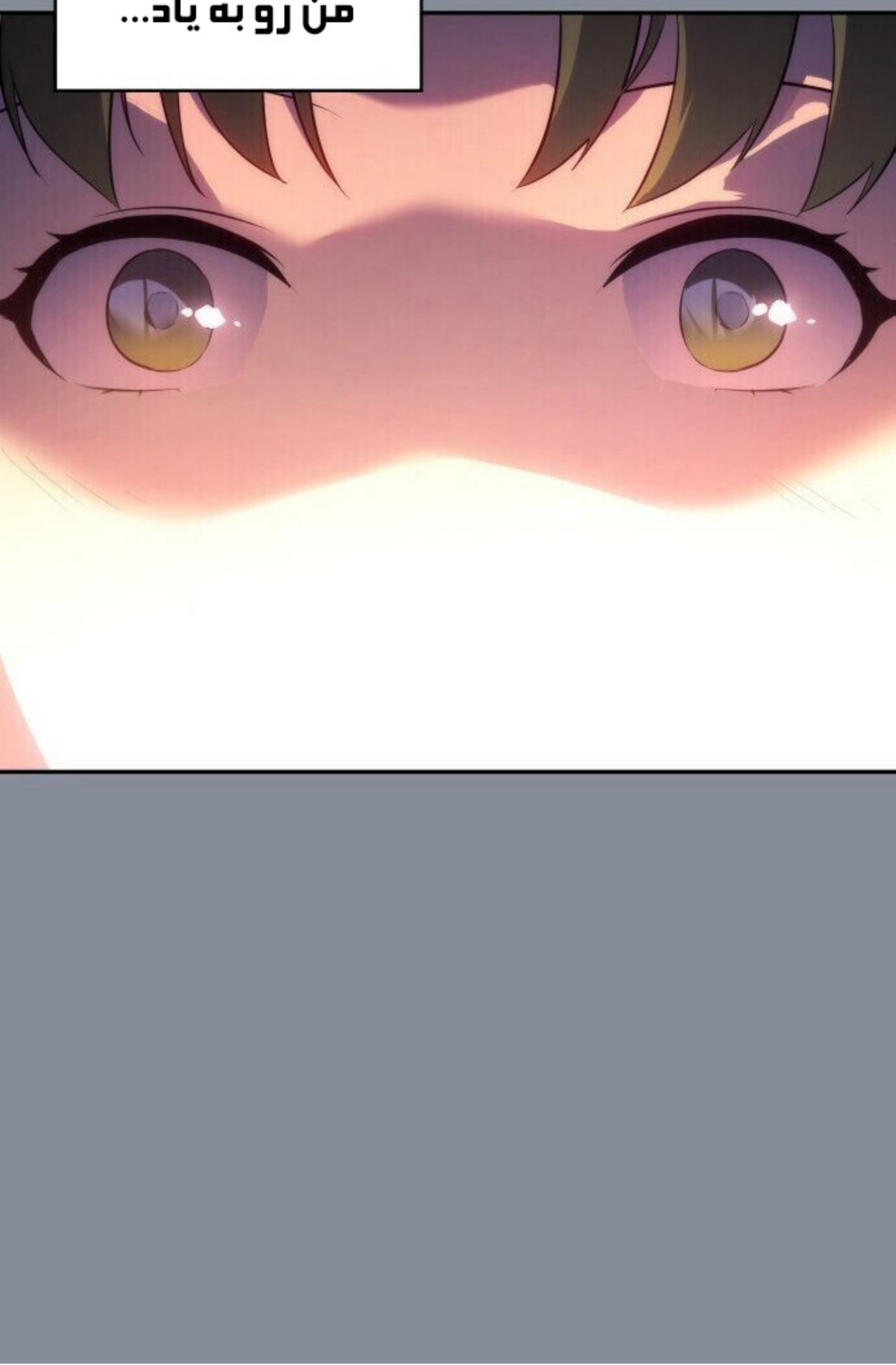


طوریته که
نشره؟

خوبم

اونها حتما گامی هستن
که نیروهای باستانیشون
توسط شین دانسو
بیدار شد.

ولی قدرتشون
من رو به یاد...



...آقای تابانه
می‌ندازه.



7 سرنوشت

چاکهو

العام از شخصیت‌های
گروه بیت‌اس